

واکاوی پیامدهای مدگرایی منفی از منظر گزاره‌های دینی

سعیده حزباوی^۱، محمدمهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ طلبه سطح سه رشته تفسیر و علوم قرآنی - مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی حضرت امام خمینی (ره) - خوزستان

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

مدگرایی، تغییر سلیقه، اسلوب و روش موقتی که رفتار افراد و شیوه زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده و برخی را به نیاز فطری تنوع طلبی و زیبایی خواهی انسان، که ممکن است خوب یابد از آن استفاده شود تعبیر کنند. اسلام به آراستگی و زیبایی ظاهری سفارش کرده اما زیبایی و آراستگی در حد اعتدال را پذیرفته است. آنچه به نام مد و تنوع طلبی در جامعه رواج یافته از زمان‌های بسیار دور، در زمان فتحعلی شاه و رضا شاه در اثر سفر به خارج از کشور و استقبال از پوشش و فرهنگ غربی می‌باشد. آنان با ترویج این عقیده که داشتن چنین پوششی جامعه را به سوی پیشرفت و ترقی می‌کشاند روز به روز از آنچه غرب به آنان تحمیل می‌کرد استقبال می‌کردند. مسلماً آنچه در اثر تقلید از فرهنگ غرب رواج یابد نمی‌توان آن را نوعی پوشش تلقی کرد در واقع تنوع طلبی منفی خواهد بود، گاهی روی آوردن به آنچه مد روز می‌باشد شکل طبیعی خود را از دست داده و جامعه را به سوی فساد و تباهی می‌کشاند. یکی از اهداف مهم دشمن ضربه زدن به نظام ولایت فقیه و از بین بردن نظام اسلام و جایگزین نمودن نظامی بر طبق قوانین خودشان می‌باشد. مدگرایی پیامدهای بی شماری دارد، تأثیر آن بر اجتماع، خانواده و مهم‌تر از همه بر فرد مدگرا می‌باشد که مهم‌ترین علل این تأثیرات در نتیجه زیاده خواهی غیر معقولانه انسان و در نظر نگرفتن هدف اصلی از زندگی و بی توجهی به آخرت است. از جمله تأثیراتی که فرد مدگرا معمولاً به آن دچار می‌شود آن است که وی را فردی عصبی، دچار اضطراب و استرس روحی، تباهی شخصیت، کوتاهی عمر، عقده مند کردن، بلوغ زودرس جنسی و... است. اثر مدگرایی بر محیط خانواده، متزلزل کردن بنیان خانواده و تن ندادن به ازدواج است. او است به دور نگه دارد. اسلام می‌خواهد از طریق رعایت حد و مرز بین زن و مرد و رعایت پوشش مناسب افراد را به اهداف بلند و آرمانی برساند.

واژه‌های کلیدی: مد، مدگرایی، پوشش، زن

خانواده هایی که از تعالیم دینی فاصله می گیرند به یک فرهنگ برزخی بین اسلام و خواسته های نفسانی خود می رسند و این امر باعث می شود که بسیاری از عقاید آن ها رنگ مذهبی و دینی نداشته باشد. در این میان بیشتر به خواسته های نفسانی خودشان توجه دارند و آنچه به نام دین و تعالیم دینی به آنان عرضه می شود را پذیرا نخواهند بود. این طرز تفکر باعث می شود که پدیده ای به نام مدگرایی و تبعیت از آداب، رسوم و فرهنگ بیگانه و وارداتی در میان آن ها شایع شود. بنابراین این پدیده می تواند در میان همه اقشار جامعه رسوخ کرده، آنان را تحت تأثیر قرار دهد، در این بین جوانان و نوجوانان که بیش از دیگران به مد بهاء می دهند و مدگرایی در اولویت آن ها قرار دارد بیشتر صدمه می بینند. در خصوص این که این پدیده از چه زمانی خود را نشان داده و توانسته است جایی در اجتماع و فرهنگ کشورها پیدا کند. نظریاتی مطرح است. از جمله نظریاتی که آغاز مدگرایی در ایران را بیان می کند این است که این امر قبل از انقلاب اسلامی آغاز شده از جمله پیشینه آن را زمان فتحعلی شاه و سپس در زمان رضاخان با کشف حجاب دانسته اند؛ اما بعد از انقلاب فعالیت آن به شکل گسترده تری از سوی غرض ورزان پیگیری شد. بعضی دیگر از نظرات آن را به پس از انقلاب و از زمانی که دشمن خود را از حمله نظامی ناتوان دید و صلاح را در این دیده بود تا از طریق تهاجم به فکر و عقاید مردم میان آنان نفوذ کند و همزمان با دخالت در برخی عقاید و افکار از طریق نفوذ در فرهنگ جامعه چنین پدیده ای را بیشتر رواج دهد می دانند. در این زمینه منابع مهمی از جمله پوشش و آرایش از دیدگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از مریم معین الاسلام، حکایت کشف حجاب از موسسه فرهنگی قدر ولایت پوشش زن در اسلام از محمد محمدی اشتهاردی، برهنگی زنان از اسد الله محمدی نیا و سایر کتبی که ذکر خواهد گردید. اما سؤالاتی در ضمن این بیان مطرح می شود و آن اینکه آیا باید به این پدیده با جنبه منفی بر خورد کرد یا بر عکس جنبه مثبت آن ارجحیت دارد و اینکه در مواجهه با مد جدید چه باید کرد؟ و بسیار سؤالاتی که در رابطه با این پدیده به ذهن خطور می کند. و محقق بر آن است که در حد توان پاسخگوی آن ها باشد و از آنجا که هیچ اثری از انسان ممکن الوجود خالی از خطا نیست تحقیق حاضر نیز به دور از خطا و اشتباه نخواهد بود.

از جمله گرایش ها و امیال فطری و اساسی انسان ها، به خصوص جوانان و نوجوانان، زیبایی خواهی، پذیرش و محبوبیت اجتماعی، تنوع طلبی و الگو پذیری است. جوان شیفته زیبایی است، هم می خواهد خود را زیبا نماید و هم زیبایی را دوست دارد. استواری قامت انسان و موزونی رشد او در مرحله جوانی و نیز جاذبه های این امر برای هر یک از دو جنس، با توجه به بلوغ جنسی، زیبایی خواهی انسان را در این مرحله از رشد در اوج خود قرار می دهد. از آن جا که همه ی این گرایش ها می تواند در مدگرایی و نوگرایی تجلی پیدا کند، لازم است آثار و پیامدهای آن را شناسایی کنیم تا بتوانیم این امیال را در حد اعتدال ارضا نماییم و در دام افراط و تفریط های خود و دشمنان نیفتیم و هم چنین از شادابی و نشاط روحی و جسمی برخوردار گردیم. پیروی از مدهای بیگانه و مد پرستی، از ابعاد مختلف: روان شناختی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، دینی و ... پیامدهایی دارد که در اینجا به هر کدام از آثار اشاره می شود.

الف) آثار مدگرایی بر فرد

۱. تباهی شخصیت

آنچه که در وجود انسان است و در همه جا همراه اوست، در خواب، بیداری، سلامتی، مریضی، پیری و جوانی و ... خواه مثبت و خواه منفی باشد از انسان جدا شدنی نیست شخصیت است و معمولاً شخصیت ها را در مثبت ها به کار می برند. اگر شخصیت را به مقاومت، صبر و قدرت مقابله با حوادث و تسلیم نشدن در مقابل مشکلات و فائق آمدن بر مصائب در رسیدن به هدف های بلند و عفو و گذشت و حجب و حیا و ... تعبیر کنیم اینها همه از صفات والای انسانی محسوب می شود.

پوشش و خود را پوشیده نگه داشتن قانون فطرت است و سرپیچی از قوانین فطری، زن را از هویت او خارج می سازد و خروج از هویت انسانی همان سقوط از جایگاه بلند ارزشی اوست. هر قدر که زن در خود آرایی های خویش فرو رود از تزئین روح الهی خود فرو می غلظد و ادامه آن به ختم ارزش های او منتهی می شود که تلخ ترین نتیجه حرکت شهوانی او خواهد بود. برهنگی و حفظ نکردن جسم خود از عریانی کلید تخریب ارزش های زن است. چرا که پوشش مناسب دژ محکمی است که تخریب آن ارزش های زن را به همراه دارد. ما همواره در طول تاریخ زنانی را سراغ داریم که شخصیت والای معنوی داشتند و به مقامی رسیدند که تمام زنان آرزوی رسیدن به چنین مقامی را دارند از آن جمله حضرت خدیجه در کنار رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در کنار حضرت علی (علیه السلام) و حضرت زینب در کنار برادرش امام حسین (علیه السلام). (محمدی نیا؛ ۱۳۸۷ ه.ش. ص ۲۰)

زنی که چنین مقام و ارزش دارد، چرا باید آن قدر سقوط کند تا آنجا که ملعبه مردان هرزه و شهوتران باشد. زن با وضع نامناسب خود وقتی در اجتماع حضور پیدا می کند به جای اینکه عفت را که ارزش زیادی دارد حفظ کند تا مردم با عزت و احترام به سراغ او بیایند، با بد حجابی و نشان دادن خود به دیگران، خویش را بی ارزش می کند. انسان چه زن و چه مرد از دیدگاه اسلام دارای شخصیت و کرامتی است که او را در بالاترین جایگاه در میان پدیده های هستی قرار داده است. از آن جمله در قرآن آمده: **لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ** (سوره تین، آیه ۴) ما انسان را در نیکوترین صورت در مراتب وجود بیافریدیم.

و در آیه ی دیگر فرمود: انسان این همه عظمت و شوکت را مرهون نعمت اراده و اختیاری است که هستی بخش عالم به او عطا کرده است که اگر آن را به مسیر صحیحی هدایت نماید می تواند به بالاترین درجات کمال انسانی برسد، در حالی که همین اراده و اختیار، او را در معرض آسیب های فراوانی قرار داده و می دهد تا جایی که انسان آفریده شده در احسن تقویم را به «ثم ردناه اسفل السافلین» (سوره تین، آیه ۵) می کشاند. پس جوانان و نوجوانان ما بیدار باشند تا در اثر انحراف از فطرت انسانی و جهل و نا آگاهی خود به تباهی و آسیب پذیری شخصیت خویش اقدام نوزند. تا به بدترین جایگاه هم در دنیا و هم در آخرت نائل نشوند. (طاهری؛ ۱۳۸۱ ه.ش، ص ۱۶۵)

۲. کوتاهی عمر

زنان بد حجاب بسیاری از وقت خود را صرف آرایش موی سر، لباس و خود نمایی، ناز و عشوه گری در معابر و کوچه و خیابان می کنند، در حالی که چنین زنانی می توانند عمر گرانبهای خود را در راه تربیت فرزند و خانه داری که بالاترین ارزش هاست و یا در راه تفریحات سالم، مطالعه و تحصیل علم بگذرانند. تاریخ نشان داده است که چه بسا انسان های ظالم و مقام پرست و مال دوست که در اثر پیروی از خواسته های دل، عمرشان به زودی به سر آمده است. در حالی که بسیاری از انسان های با تقوا عمری با برکت تر و عزت و طولانی داشته اند. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: **مَنْ تَسَرَّعَ إِلَى الشَّهَوَاتِ تَسَرَّعَ**

إلی الآفات. کسی که با سرعت به دنبال خواسته های دل برود، در واقع شتابان به سوی مرگ و آفت می رود. (محمدی نیا، ص ۶۷)

این موضوع از نظر علم هم امری ثابت است، زیرا گناه و فساد در جسم اثر نامطلوب می گذارد، به آن ضرر می رساند. زنان باید بیاموزند که از رفتن به هر مجلس جشن عروسی و مراسمی که در آن زن و مرد مختلط هستند خود داری کنند، بعضی از این مراسم جز اثر شوم در اخلاق دختران و پسران چیزی به دنبال ندارد. چیزی که باعث می شود زن و مرد بیشتر به گناه بیفتند و وقت و عمر خود را بیهوده تلف کنند حضور تحریک آمیز زن در برابر مرد نامحرم است. زیرا زنان بی حجاب بیشتر از سایر زنان، نظر مردان هوسران را به خود جلب می کنند. رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: اِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا تَزُولُ الْعَبْدُ قَدَمًا عَنْ فِئَومٍ حَتَّى يُسْئَلَ عَنْ أَرْبَعَةِ أَشْيَاءٍ عَنْ عُمَرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ وَعَنْ شِبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ أَكْتَسَبَهُ وَفِيمَا أَنْفَقَهُ وَعَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (همان، ص ۶۳)

روز قیامت پیش از آنکه بنده قدمی بر دارد راجع به چهار مورد از او سؤال می کنند:

- (۱) از عمر او که چگونه سپری کردی؟
- (۲) در مورد جوانی که در چه راهی صرف کردی؟
- (۳) از مال که از چه راهی به دست آوردی و در چه راهی خرج کردی؟
- (۴) و از محبت ما اهل بیت (علیه السلام).

۳. اضطراب بی پایان

آن گاه که اصل و کمال در انسان لباس و مد پرستی باشد هر چه می بیند، می خواهد و دایم به فکر تهیه آن است و چون آماده کردن آن ها بسیار مشکل و گاهی نامقدور است، روح او همیشه مضطرب و پریشان است و مانند کسی است که گم کرده خویش را پیدا نمی کند. در واقع وقتی اصالت به ظواهری مانند لباس داده شود آدمی سعی می کند برای به دست آوردنش نهایت تلاش خود را به کار ببندد. در این میان بعضی، لباس و اشیای زینتی مانند طلا و غیره را ممکن است با مشکلات زیادی تهیه کنند و به وسیله امانت گرفتن لباس و اشیای دیگر، خود را تحقیر کنند. در حالی که بعضی چیزها مانند جوانی و زیبایی وقتی انسان به طور کلی یا مقدار کمی از آن را از دست می دهد، دیگر قادر به باز گرداندن آن نیست. در چنین حالتی شخصی که اصل و کمال و شخصیت را در زیبایی و ظواهر می داند و از لحاظ مذهبی و اعتقادی هم ضعیف است. پیوسته در فکر به دست آوردن این امور دست نایافتنی است. از آن پس غم و غصه تمام وجودش را فرا می گیرد و آینده خود را تاریک می بیند و حزن و اندوه های روحی در جسم او اثر می گذارد و به بیماری های مختلفی دچار می شود. چنین افرادی به شدت طرفدار مدگرایی افراطی هستند به توجه دیگران اهمیت زیادی می دهند. این افراد در طول زندگی خویش برای این که در نظر دیگران ارزشمند جلوه کنند، حاضرند به هر قید و شرطی که به آن ها تحمیل می شود تن دهند. رشد سریع مدهای غربی و رواج آن در بازار، خود عاملی برای شکست روحی افرادی است که به دنبال مدهای تازه اند، اگر چه برخی افراد توانایی خرید جدیدترین مدها را دارند، ولی سرعت تغییر و تنوع مدل ها و نیز فرصت محدود انسان ها باعث شده ضربات مهلکی به افراد مد پرست وارد شود که یکی از نمونه های این ضربات استرس و اضطراب برای رسیدن به خواسته های افراطی است.

آنچه این اضطراب ها را بیشتر تشدید می کند این است که چنین افرادی برای جلب توجه دیگران، تجربه ی خویش را نادیده می گیرند و ارزش ها و عقاید دیگران را می پذیرند. کسانی که توجهی به عقاید و ارزش های خویش ندارند، برای آن که احساس ارزشمندی کنند در صدد خشنود کردن دیگران به هر طریقی مثل تن دادن به مدل های افراطی و رنگارنگ بر می آیند

و در واقع با این عمل به شروط آن ها تن داده اند و به همین خاطر دچار اضطراب می شوند. این قبیل افراد در میان مردم و در ظاهر همیشه مضطرب و نگران هستند از اینکه مبادا از نظر ظاهری کسی برتر از آنان باشد و توهمات دیگری که در خیال خود می گذرانند و در باطن نیز، دنیایی مملو از اضطراب دارند و در فکر آن هستند که آنچه داشتند از دست دادند و دیگر ارزشی در جامعه نخواهند داشت. (محمدی نیا؛ ۱۳۷۹ ه.ش. ص ۱۹۵)

۴. موجودی مصرفی

زن بد حجاب را باید مصرف گری شناخت که با رفتار خود جز مفسده و ضرر چیزی به بار نمی آورد، زیرا با مصرف و حرکات تحریک آمیز منشاء انحراف و فساد در جامعه می گردد. زن بی حجاب، برای پیروی از مد دوست دارد لباس های مختلف داشته باشد. تهیه این تعداد لباس، مخارج انسان را زیادتر می کند و خانواده را از لحاظ مالی تحت فشار قرار می دهد. چنین زانی به هر قیمتی شده می خواهند لباس و وسایل و جواهرات مورد نظر خودشان را تهیه کنند. با به وجود آمدن چنین عرصه ای بیگانگان از فرصت استفاده کرده و از طریق وارد کردن لباس، وسایل آرایشی، وسایل زینتی و مد روز به اهداف استعماری خود می رسند و زنان وقتی شیفته کالاهای وارداتی غرب می شوند و آن را بهترین مد روز تلقی می کنند مسلماً مجامع غربی و استثمارگران و کسانی که در پی بالابردن اقتصاد کشورشان هستند به میدان خواهند آمد و برای سود بیشتر و زمینه سازی فروش تولیدات روز افزون خود، همیشه نیازمند بازارهای مصرف جدید هستند. بنابراین با تبلیغ روحیه ی مصرف گرایی و تجمل پرستی و اینکه زن موجودی ظریف و زیبا اندام است باید زیبایی خود را به هر قیمتی شده حفظ کند، افراد را به سمت مصرف مدل های جدید سوق می دهند. زنان هنگامی که تحت تأثیر چنین تبلیغاتی قرار گیرند تنها هم و غم آن ها رسیدن به ظاهر و صورت خویش می باشد. آنها ممکن است از مدل هایی که زمانی خنده دار به نظر می رسید نیز استفاده کنند مهم این است که نام مد روز بر آن اطلاق شود. وجود چنین زانی در جامعه سبب می شود جامعه به جای اتکا به نفس و تلاش در جهت شکوفایی استعدادها و امکانات خدادادی خود، به دنبال مد گرایی افراطی و تقلیدی بر آید، که این امر علاوه بر رکود اقتصاد بعد از مدتی با تسلط اقتصادی بیگانگان، ایجاد وابستگی و روحیه مصرف گرایی، سود گرایی، لذت طلبی فردی و از بین رفتن استعدادها مواجه خواهد شد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این زمینه می فرمایند: من به خانم های مسلمان، خانم های جوان و خانم های خانه دار عرض می کنم سراغ این تبلیغ مصرف گرایی که غرب مثل خوره به جان جوامع دنیا و جوامع کشورهای در حال توسعه و کشورهای رو به رشد از جمله کشور ما انداخته است، نروید و مصرف در حد لازم خوب است نه در حد اسراف، خانم های مسولین و زانی که همسرانشان یا خودشان مسولیت هایی در بخش های مختلف کشور دارند، باید از لحاظ دوری از اسراف برای دیگران الگو باشند. (بانکی پور خرد؛ ۱۳۸۱، ص ۲۷۶)

آنچه زن را بیشتر مصرفی بار می آورد این است که دشمن به این نکته پی برده که اگر بخواهند زنان را مصرفی بار آورند و در مدت زمان کمی سود فراوان ببرند از طریق تبلیغ این عقیده که زیبایی حق هر زنی است آنان معتقدند برای ثروتمند شدن تنها کافی است که کسی چیز تازه ای کشف کند که کمک کار زیبایی وی باشد و بعد خیل عظیم زنان را قانع کنند که به این چیز تازه نیازمندند و آن را می خواهند آنان از طریق لوازم آرایش، سالن های آرایشی، سالن های لاغری، جواهرات و ... زنان را فریب داده و از این طریق سود فراوانی کسب می کنند.

در فرهنگ سرمایه دارانه و در جامعه مصرفی، تعهد های اجتماعی عقب می نشیند، شخصیت بر منش (طبیعی) و احساسات بر عقل حاکم می شود. مردم در چنین جامعه ای بارها کردن هر گونه امید به مهار زندگی عمومی، به دل مشغولی های صرفاً شخصی، پناه می برند. دل مشغولی به انواع مدها و بهبود بخش های جسمانی و روانی. (مقاله هویت انسانی زن در چالش آرایش و مد، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ۱۳۸۴، شماره ۱۷ و ۱۸)

۵. عقده مند کردن مردان

عقده مند شدن مردان و جوانان از جمله آثار سوء روانی جلوه گری زنان است. از دیدگاه علم روان شناسی تا هنگامی که انسان چیز مورد علاقه خود را نبیند به آن میل پیدا نمی کند و در نتیجه تعادل روانی او حفظ می شود و اگر ببیند و به آن دست یابد هم چنان تعادل روانی او حفظ خواهد شد. اما اگر ببیند و میل او تحریک شود به آن دست نیابد درون او ملتهب و نا آرام می گردد و در صورت تکرار به عقده روانی تبدیل می شود. حال اگر خواستن او در ارتباط با جنس مخالف باشد و به طور مکرر شاهد جاذبه های زنان قرار گیرد شعله تمایلات جنسی بیشتری از درونش زبانه می کشد و با توجه به ناکامی های مکرری که به او دست می دهد، عقده دارمی شود. در همان حالی که زنان با جلوه گری خود، دیگران را عقده مند می کنند حق شوهر خود را نیز ضایع کرده و حقوقی را که باید رعایت گردد تباه می شود. زینت و زیبایی زن که از نعمت و امانت حق تعالی محسوب می شود پس از ازدواج نیز مربوط به شوهرش است، نه اینکه آن را در معرض دیدگاه عموم قرار دهد. رسول خدا(صلی الله علیه و اله و سلم) می فرمایند: هر زنی که خود را برای غیر شوهرش خوشبو و آرایش کند، خداوند نماز او را قبول نمی کند، تا اینکه برای پاک ساختن خود از آن، غسل کند چنان که خود را از جنابت، غسل می دهد. (الطبرسی، ص ۴۱۱)

در جای دیگری آمده: تحریکات جنسی که در حواس پنج گانه آدمی به وجود می آید بر روی سیستم تولید نسل او نقش مؤثری دارد دانشمندان معتقدند تحریکاتی که در چشم به وجود می آید بر غده هیپوفیز که غده کوچکی در زیر مغز است اثر می گذارد. این غده شش هورمون تولید می کند که سه نوع آن بر روی سیستم تولید نسل اثر می گذارد. نگاه به زنان بد حجاب و فیلم های محرک که چنین اثری را به همراه دارد در نهایت به تأثیر منفی در فرزندان و اختلالات وراثتی منتهی می شود.

در واقع نفس آدمی دریایی از خواستنی هاست. زمانی که به چیزی تمایل ندارد آرامش بر آن حاکمیت دارد و چون به آن رغبت کند همانند دریا طوفانی می شود و تنها رسیدن به خواسته او می تواند جزر و مد این دریای طوفانی را آرام کند. تا زمانی که بانوان خود را به طور کامل از دید چشم های حریص مردان می پوشانند دریای نفس آن ها آرام است. اما وقتی خود را به نمایش می گذرانند چشم آن ها می بیند و دل آن ها هوس می کند و به حالت عقده روانی در آن ها بروز می کند از اینجا معلوم می شود که زنان جلوه گر چه اندازه در ایجاد اضطراب های روحی و نابسامانی های درونی مردان جامعه نقش دارند. (اکبری؛ ۱۳۸۹ هـ.ش. ص ۱۴۲)

یک بانوی تازه مسلمان آمریکایی و ساکن آمریکا می گوید: سلامت روح مرد و جامعه به نوع کیفیت و پوشش زنان رابطه مستقیم و غیر قابل انکاری دارد. (صبوری اردوباری؛ ۱۳۸۶ هـ.ش، ص ۲۱۹)

۶. از دست دادن اعتقادات مذهبی

ایمان به خدا و ترس از آخرت از مهم ترین پایه های پوشش به شمار می رود. وقتی زن به خدای تعالی و علم و حکمت او ایمان آورد و معتقد گردد احکامی که برای انسان تشریح شده بدون نقص و دارای فوائد و آثار مثبتی است حجاب دینی او به طور طبیعی شکل خواهد گرفت وقتی زن از آثار و برکات حجاب آگاهی یابد نه تنها از آن احساس سنگینی نمی کند. بلکه از آن استقبال می کند و وسوسه های شیطانی را هیچ می انگارد. اما زنی که تقوا و ایمان نداشته باشد و تابع هوای نفس و خطوات شیطان باشد نه تنها از پوشش دینی بیزار می شود بلکه آیات و احکام الهی را نیز تکذیب خواهد نمود. در واقع زنان بی حجابی که به معصیت کبیره خود نمایی و ترک حجاب شرعی گرفتار شده اند و همواره با علاقه به این عمل ناشایسته ادامه می دهند به جایی خواهند رسید که حجاب دینی را بر خلاف میل و خوش گذرانی خود دانسته و آیات قرآنی که در مورد حجاب آمده را نادیده می انگارند، و در نهایت آیات الهی حجاب را تکذیب می کنند. وقتی انسان مدتی به آیات الهی پشت پا زد، زمینه تکذیب آن ها در او فراهم می شود.

بعد از تکذیب آیات الهی، چنین افرادی برای رسیدن به هدف شیطانی خود از فرهنگ فاسد و شیطانی غرب و کفار تقلید می کنند، در حقیقت گویا به فرهنگ بیگانه علاقه مند هستند. همین موضوع باعث می شود که انسان به تدریج جذب فرهنگ آنان شود، زیرا انسان وقتی طرز لباس پوشیدن و آداب و رسوم ملتی را پذیرفته رفته رفته اعتقادات باطل آنان را نیز خواهد پذیرفت و تا آن جا پیش خواهد رفت کم نام فرزندان خود را نیز از نام های کفار انتخاب می کنند و این را چه بسا که برای خود نوعی ارزش می دانند. (محمدی نیا؛ ۱۳۷۹ هـ ش ص ۱۹۶)

امام ژرف اندیش در این زمینه فرموده اند: جوانان عزیز دبیرستانی و دانشگاهی توجه کنند که سران و سردمداران گروه ها که می خواهند به اسم اسلام پایه های آن را سست کنند و جوانان را به دام اندازند، هیچ اطلاعی از اسلام و اهداف و قوانین آن ندارند و با خواندن چند آیه از قرآن و چند جمله از نهج البلاغه و تفسیر های جاهلانه و غلط نمی شود اسلام شناس شد. (خمینی؛ ۱۳۷۸ هـ ش ص ۶۲)

حدیثی از امام علی (علیه السلام) در این زمینه بیان شده که می فرمایند: علیکم بالصفیق فإن من رقَّ ثوبه رق دینه. (الحرالعالمی؛ ۱۳۸۷ هـ ش، ص ۲۰۱)

بر شما لازم است لباس ضخیم، بدن نما نباشد زیرا هر کسی که لباس نازک است، دینش نیز همچون لباسش نازک و ضعیف است.

۷. بلوغ زودرس جنسی جوانان

در جامعه ای که پیوند میان زن و مرد، بدون ضابطه است و حریمی میان زن و مرد وجود ندارد و زنان با هر وضعی که مناسب دیدند می توانند در اجتماع حضور پیدا کنند، نیاز جنسی از حد طبیعی و متعادل خود خارج می شود و به شکلی بیمار گونه افزایش می یابد و به صورت یک خواست اشباع نشدنی در می آید. هنگامی که خانم ها با جلوه گری در برابر نوجوانان ظاهر شوند، درون آن ها تحریک می شود و زودتر از زمان طبیعی به مرحله بلوغ می رسند. این گونه بالغ شدن نوجوانان پسر سبب بروز اختلال در وجود آن ها می گردد و عامل این ضایعه زنان و دختران خود نما هستند. نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت های بی بند و بار، هیجان ها و التهاب های جنسی را فزونی می بخشد و تقاضای التهاب جنسی را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی در می آورد. غریزه جنسی، غریزه ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است. هر چه بیشتر اطاعت شود، سرکش تر می گردد. همچون آتشی که هر چه به آن بیشتر خوراک بدهند، شعله و رتر می شود. (مطهری؛ ۱۳۷۹ هـ ش، ص ۱۰۴)

امروزه در علم تجربی به اثبات رسیده است که همواره از اندام هر موجود جاندار، امواج مرموزی متصاعد می شود و در محدوده ای خاص، روی اشیای مستعد و همگون تأثیر می گذارد که گاهی از آن به «مانیه تیسیم» حیوانی تعبیر می شود. در انسان این تشعشعات یا دست کم بروز آن ها تناسب خاص با افکار و روحيات و آمادگی ساختمانی جسمی دارد به ویژه در زنان، امواج بالا از شدت بیشتری برخوردار است. دانشمندان آلمانی نیز در تحقیقات گسترده ای، به این واقعیت علمی پی برده اند که از اندام زن و حتی موی سر او، امواج مرموزی پراکنده می شود و بر بدن برخی از مردان مستعد تأثیر گذاشته، موجب تحریک و فعالیت غده های جنسی آنان می گردد. با توجه به این واقعیت علمی به این نکته پی می بریم که اگر موی سر زنان تحریک کننده است. با این وجود ارائه موهای رنگ کرده همراه با روسری های مبتذل چه تأثیری بر روح و روان جوانان خواهد گذاشت بالتبع یک انحراف جنسی است که آثار آن را می توان در روح جوانان پیدا کرد. امام رضا (علیه السلام) فرموده اند: نگاه به موهای زنان شوهر دار و غیر شوهر دار حرام گردیده است زیرا با این نگاه است که شهوت مردان به هیجان می آید و به فساد می کشاند. (آموزش عالی، تفکیک یا اختلاط، گزینه برتر؟ مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران، ۱۳۸۹ هـ ش، ص ۴۹).

برخی زنان موهای سر خود را با نوعی روسری می پوشانند که به طور مشخصی حجم و برآمدگی موهای آن ها آشکار است. این کار مصداق تبرج و خود نمایی حرامی است که قرآن کریم در آیه ۳۳ سوره احزاب درباره آن فرموده است. همانند جاهلیت پیشین آرایش و خود نمایی نکنید. (اکبری؛ ۱۳۸۹ هـ. ش. ص ۷۸)

۸. عقاب آخروی

از جمله آثار جلوه گری و بی حجابی زنان کیفر آخرتی است. برخی دختران و زنان جوان، جلوه گری و جلب توجه دیگران را به عنوان یکی از مسائل اخلاقی زندگی خود پذیرفته اند، به گونه ای که به نگاه دیگران عادت کرده اند. اما زمانی نخواهد گذشت که جوانی و زیبایی آن ها به تدریج کاهش می یابد و جاذبه های زنانگی آن ها در پس آثار بزرگسالی غروب می کند و توجه و نگاه دیگران قطع خواهد گردید. حجاب هایی که این قبیل زنان و دختران برای خود برگزیده اند حجاب های ناقص است و با آشکار کردن آرایش و زینت ها در نزد نامحرم و جلوه گری با لباس های نازک، تنگ، مدل های مخصوص و یا رنگ های مهیج و جالب توجه نامحرم از جمله گناهان کبیره ای است که بر آن وعده عذاب داده شده است. اینجاست که چنین زنانی خود را تنها و غریب احساس می کنند و وجود خود را بی ارزش تلقی می کنند. و این بی حجابی نمود بارزی از گناهان جنسی است که به بسیاری از گناهان دیگر دامن می زند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است: زنی که با موهایش بر جهنم آویزان است کسی است که موهای خود را از نامحرم نمی پوشاند.

در جایی دیگر فرموده اند: در معراج زنی را دیدم که آتش از او زبانه می کشید زیرا خود را برای مردم آرایش می کرد. (قمی؛ ۱۳۸۷ هـ. ش، ص ۳۰۱) از این دو روایت و روایات دیگر که در این باب آمده معلوم می گردد چه اندازه خود نمایی و با پوشش ناقص در جامعه، محیط کار، میهمانی، مراسم عروسی و ... ظاهر شدن برای مردان نامحرم کدورت روحی ایجاد می کند و ارزش او را اگر اهل نماز و عبادت باشد کاهش می دهد و این سرنوشت هر زنی است که خود نمایی را به عنوان یکی از نیاز های کاذب اخلاقی خود مورد توجه قرار داده است و با وضع دلخواه خود در جامعه ظاهر می شود و این اسلام عزیز است که به بیان چنین ظرافت هایی پرداخته است که زنان مسلمان را از جلب توجه مردان حفظ نماید تا از آثار نامطلوب روحی و کیفر آخرتی آن در امان مانند. زنانی که خود را به راحتی عرضه می کنند و خود را در معرض نامحرمان قرار می دهند در مقابل، دل چه کسی را به دست می آورند؟ دل جوانان و مردان هرزه را، زیرا مرد مسلمان و مؤمن حقیقی از این کار، متنفر است. آیا دل آن گونه افراد را به دست آوردن، ثمره دنیوی و اخروی دارد؟ حال که خداوند چنین نعمت تندرستی را بذل و بخشش نمود، رسم امانتداری و بندگی او این است که رضای وی را به دست آوریم، نه دل مردان هرزه که زنان را وسیله ای برای اهداف شیطانی خود قرار می دهند. چرا که تبعیت از چنین افرادی و به خاطر آنان خود را به هر رنگ و مدلی در آوردن کاری است که عقاب اخروی دارد و فرد در مقابل چنین کاری باید جوابگو باشد. (اکبری؛ ص ۱۴۵)

ب) آثار مدگرایی بر خانواده

۱. آثار مخرب در فرزندان

اصولاً فرزندان هر جامعه ای حرکات خود را از بزرگتر ها می آموزند حتی فرزندی که هنوز به دنیا نیامده و نطفه او در حال شکل گرفتن است رفتار پدر و مادر در او تأثیر می گذارد، تقوا و بی تقوایی و نیز عفت و بی عفتی زن در دختر و پسرش اثر دارد و این موضوع را تنها شرع مقدس اسلام و قانون وراثت، بلکه تجربه و تاریخ ثابت کرده است. حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است که می فرماید: *أَنْظُرُ فِي آيِ نِصَابٍ تَضَعُ وَ لَدَكَ فَانَّ الْعَرِيقَ دَسَّاسٌ*. (فلسفی؛ ۱۳۸۷، ص ۶۴) بنگر که در چه محلی و از چه نسبی می خواهی فرزند دار بشوی، چون خون و نژاد دارای نفوذ و اثر است.

معمولاً فرزند مخصوصاً دختر اخلاق و روش مادرش را الگو قرار می دهد و از آن پیروی می کند و به سبب همین تقلید، فرزندش در آینده نه تنها مثل مادر، بلکه گاهی به مراتب از مادر بدتر می شود. در این میان وقتی تقلید از مادر صورت بگیرد. فرزند زمانی درباره اعمال خود فکر می کند که به بسیاری از مسائل اخلاقی عادت کرده است، اگر زنان و دختران به تکلیف رسیده از شرم و حیا و تقوای در پوشش موی سر، بدن و زینت ها به دور باشند الگوی بدی برای فرزندان جامعه خواهند بود. وقتی مادر به فکر آرایش و لباس مد روز و امور ظاهری دیگر باشد و پدر نیز دل مشغولی های دیگری دارد. فرزندان چنین خانواده ای نیز متأثر شده و در اثر غفلت و بی توجهی پدر و مادر علاوه بر آثار مخربی که بر آنان تأثیر خواهد گذاشت ممکن است به گروه هایی روی آورند که حتی از ماهیت آن کمترین اطلاعی نداشته باشند متأسفانه و این کارها فقط به دلیل عدم نظارت دقیق و کنترل والدین، تأثیر پذیری از فیلم های مبتذل، برنامه های خشونت آمیز مبتذل ماهواره وضعف فرهنگی خانواده می باشد. مسلماً وقتی وارد چنین گروه هایی شوند (مثلاً گروه رپ، هوی متال) وضعیت لباس پوشیدن، طرز آرایش مو و رفتارهای دیگر این گروه ها را نیز تقلید خواهند کرد. آنچه باعث شده تا فرزندان به این مرحله از تباهی کشیده شوند والدین آن ها هستند پس لازم است والدین خودشان اهل رعایت کردن باشند تا این مشکلات به فرزندان آن ها منتقل نشود زن و شوهر در عین حال که می توانند نارسایی های یکدیگر را شناسایی کرده، به یکدیگر تذکر دهند و اگر خصلت بد و غیر اخلاقی در یکی از آن ها وجود دارد برای رفع آن تلاش مشترک داشته باشند این امر به مراتب باعث موفقیت آن ها در زندگی می شود و آثار مثبتی در فرزندان و نسل آینده آنان خواهد گذاشت. بنابراین زن بد حجاب ضمن اینکه منشاء انحراف و فساد جامعه می باشد. به همان نسبت بر محیط خانواده و فرزندان تأثیر گذاشته و آینده فرزندان خود، مخصوصاً دخترش را به خطر می افکند.) محمودی نیا؛ ص ۶۱)

۲. تزلزل خانواده

یکی از آثار زبان بار جلوه گری زنان تزلزل بنیان خانواده است. کشاندن مسائل جنسی از محیط خانواده به جامعه یک ظلم فاحش و غیر قابل جبران اجتماعی است که خانواده ها را متزلزل می سازد.

تحکیم خانواده که بر اساس محبت، صمیمیت، انس، وحدت، همدلی و دلسوزی همسران استوار می شود از مهم ترین مسائل خانوادگی به شمار می رود و آنچه بنیان خانواده را متزلزل کند از بدترین آفت های آن به حساب می آید. خود نمایی و حضور تحریک آمیز زنان و دختران در صحنه های اجتماعی، نظر هر مرد متأهل و مجردی را به خود جلب می کند. اگر بیننده متأهل و ضعیف الایمان باشد با توجه به گزینه تنوع طلبی و زیبا خواهی که دارد بخشی از توجه خود را متوجه آنان می کند و در نتیجه به همان اندازه، گرایش به همسرش را که همواره با او زندگی می کند کاهش می دهد گرچه بسیاری از زنان خود نما زیبایی همسر بیننده را ندارند اما تازگی و تنوعی که دارند کمبود زیبایی آنها را به طور موقت تدارک می کند. وقتی چشم های مردی در محیط های مختلف اجتماعی از دیدن زنان و دختران کامیاب شود طبعاً میزان علاقه او نسبت به همسرش کاهش می یابد زیرا بخش عمده ای از علاقه مرد به همسرش از ناحیه نیازهای جنسی تأمین می شود که این نیاز را زنان جلوه گر جامعه به طور نامشروع بر آورده می سازند. این کاهش علاقه بسیاری از پیوند ها را با سستی همراه می سازد و مسائل اخلاقی مختلفی را به بار می آورد به گونه ای که در نوع نگرش مرد به همسرش تأثیر منفی می گذارد. کج خلقی، بی میلی در همراهی با همسر، بهانه گیری از ره آوردهای جلب توجه مردان به زنان بی تقوای جامعه است، و حتی کار به جایی می رسد که مرد همسر شرعی و قانونی خود را مزاحم کامیابی های خود می داند و به خاطر همین بینش از او متنفر می شود. فلسفه پوشش جلوگیری از این قبیل آفات ناگواری است که اساس خانواده ها را تهدید می کند. در این میان وقتی ارزش و ملاک در زندگی بعضی از مردم ظواهر و تجملات و مدپرستی باشد چون این گونه امور زود کهنه می شود چنین افرادی مطلوب و مرادشان را هم زود از دست می دهند، و سرانجام کار به جدایی می کشد. اصولاً در چنین خانواده

ها چون عقل در انتخاب همسر نقشی ندارد اساس خانواده زود متزلزل می شود و سرنوشت آن ها جز طلاق و سرگردانی زن و بچه ها، و گاهی انحراف آن ها چیز دیگر نیست. (اکبری؛ ص ۲۰)

۳. تأخیر در ازدواج

اگر زنان پوشش مناسب را در جامعه ای رعایت کنند و روابط جنسی به محیط خانواده محدود گردد جوانان به ازدواج تمایل بیشتری پیدا می کنند و خانواده ای تشکیل می دهند که از ثبات بیشتری برخوردار باشد. در حالی که اگر خود نمایی، آرایش و تحریک در یک جامعه رواج پیدا کرد و روابط جنسی در غیر محیط خانواده میسر گشت، هیچ گاه جوانان مشکلات ازدواج را نخواهند پذیرفت. به ازدواج تن نمی دهند و خانواده ای تشکیل شده نیز دائماً در حال تزلزل می باشد. حضور تحریک آمیز زنان و دختران در صحنه های اجتماعی نظر هر مردی را به خود جلب می کند. حال اگر بیننده مجرد باشد با توجه به اینکه چشمان او از مناظر شهوت انگیز زنان بد حجاب بهره مند می شود، به راحتی تن به تعهدات زندگی مشترک نمی دهد و از زنان و دختران که به طور رایگان چشمان گرسنه او را کامیاب می کنند بهره غیر شرعی می گیرد و ازدواج را به تأخیر می اندازد. این واقعیت تلخ در کشورهای غربی رواج کامل دارد و در کشور های اسلامی به دلیل جاری شدن این وضعیت نامناسب جوانان حاضر به ازدواج نیستند. بدون تردید تأخیر ازدواج فقط دامن گیر پسران نمی شود در این میان وقتی دختران و زنان بدون پیمان همسر داری و هزینه های و تعهدات شرعی و قانونی، خود را در معرض نگاه های جوانان قرار می دهند. آن ها بر خود لازم نمی دانند که آن چه به طور رایگان به آن ها می رسد را با بهای سنگین ازدواج به دست آورند. تنهایی و تنها زیستن علاوه بر اینکه فرد را درگیر تعهدات غیر اخلاقی و با وضع نامناسب خارج شدن می کند موجب بسیاری از مشکلات و باعث افسردگی، دل مردگی و انواع بیماری های روانی و بدنی می شود. تنهایی زیستن و اینکه انسان ازدواج نکردن را در ذهن خود بپروراند باعث می شود که انسان در دریایی از خیالات، اوهام، افکار غیر منطقی و بیماری های اخلاقی... فرو رود و امواجی از مشکلات گوناگون را برای انسان به ارمغان می آورد. حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است که می فرماید:

أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ الْعُزَّابُ. (مشکینی اردبیلی؛ ۱۳۸۵ هـ.ش، ص ۲۶) اکثر اهل آتش در قیامت آنانی هستند که از ازدواج و تشکیل خانواده امتناع کردند.

افرادی که ازدواج کردن را مانعی در راه خواسته های نفسانی خویش می دانند و خیال می کنند آزادی هایی که دارند با ازدواج کردن این آزادی ها از بین می رود این توهم باطلی است. کسانی که در فکر ادامه دادن بی بند و باری و عرضه کردن خود به جوانان هستند این سنت حسنه الهی را مانعی بزرگ بر سر راه خویش می دانند. و گرنه با توجه به روایاتی که در مورد ازدواج از معصومین (علیهم السلام) ذکر شده، ازدواج انسان را کرامت و شرافت می دهد از علل استحقاق عذاب الهی می رهند، از پستی، فرومایگی و افتادن در بند شیطان مصون می دارد. (انصاریان؛ ۱۳۸۶ هـ.ش. ص ۶۵)

ج) آثار مدگرایی بر اجتماع

۱. سلب امنیت و آرامش زن

یکی از حقوقی که در هر فرهنگ و تمدن و در زندگی اجتماعی همه انسان ها به عنوان پایه و اساس اولیه زندگی مطرح است، حق برخورداری از نعمت «امنیت» که لازمه هر نوع زندگی سالم و طبیعی بوده و بدون آن سایر نعمت ها محکوم به فنا است. نفس آدمی دریایی از تمایلات و خواسته های اوست که مهمترین آن ها به خوراکی ها، امور جنسی و مال و جاه مربوط می شود و بدون شک بالاترین خواسته های مردان، تمایل به جنس زن است. ارائه زیبایی ها و مواضع بدن زن، به شهوت و طمع مردان دامن می زند و آن ها را به یک کانون جدی خطر مبدل می سازد. که به سلب امنیت و آرامش زن منتهی

می گردد. نگاه آلوده و برخورد غیر اخلاقی مرد با هر زنی که خود را با وضع فجیعی در جامعه ظاهر می کند به علت استثمار و استخدام او در جهت خاموش کردن آتش شهوات خود، اهانتی است بزرگ به هر زنی که از عزت نفس و عفت و عصمت خدا دادی و بالاخره از شرف انسانی برخوردار است. زن در نظر چنان افرادی وسیله ای برای خاموشی شهوات می گردد و ارزشی بالاتر از یک متاع نخواهد داشت، و این نه تنها بالاترین اهانت به شخصیت یک انسان است بلکه مقدمه تمام بدبختی ها و دردها و شکنجه های روانی سات که زن از عدم امنیت یک عمر با آن رو به رو است در کتاب نگاه پاک زن و نگاههای آلوده به او آمده است: تا زن به غیر از پوشش و آرایش و جمال، عامل برتر دیگری در خود نمی شناسد و مرد در قید اسارات امیال و غرایز حیوانی باقی است، توقع و انتظار حس احترام پاک نسبت به زن بی جا و بیهوده است. (صبور اردوباری؛ ۱۳۸۶هـ ش، ص ۳۳) آنچه می تواند از این ناامنی پیشگیری کند پوشیدگی زن از چشم های گرسنه نامحرمان است که با حجاب کامل اسلامی عملی خواهد شد. پوشش دینی نگهبان زن از نگاه های آلوده و آسیب های احتمالی است که به زن مصونیت و آرامش می بخشد و هر چه این پوشش کامل تر گردد در صد امنیت و حفاظت آن بالاتر می رود. در این صورت است که زن در سنگر حجاب خود از برخوردهای اراذل جامعه مصون خواهد بود و امنیت و آرامش درونی او برقرار خواهد شد. اگر ما حجاب را برای مصونیت خود بر می گزینیم چه بهتر که حجاب کامل تر را برگزینیم که مصونیت بیشتری داشته باشیم. از این رو پوشش می تواند نقش مهمی در مصونیت زن از نگاه های آلوده مردان داشته باشد. (صبوری اردوباری؛ ۱۳۸۶هـ ش، ص ۲۲۶)

۲. رواج فساد و بی بند و باری

اگر در یکی کشور دین و مذهب حاکم نباشد، و زنان به راحتی با جلوه گری و عشوہ کردن در برابر نامحرم ظاهر شوند. هیچ قدرتی قادر به جلوگیری از جنایات و جرایم در آن جامعه نیست اگر چه از نظر نیروی انسانی، تجهیزات و اطلاعات قوی باشد، زیرا نیروی پلیس و ... حداکثر کاری که می کند ظواهر کشور را از لحاظ مفساد حفظ می کند و از باطن کار، خبر ندارد. بنابراین باید یک نیروی دیگر در کنار این نیروی ظاهری باشد، تا جامعه از انحطاط و گرفتار شدن در دام فساد و بی بند و باری رهایی یابد و آن نیروی دیگر را از دین باید فرا گرفت، زیرا قدرت دینی در روح انسان نفوذ می کند و همیشه در خلوت و آشکار همراه انسان هست و او را به کارهای خوب تشویق می کند. این نیرو همان ایمان به مبدء و معاد است و تا زمانی که دنیای امروز مجهز به این قدرت درونی و اعتقادی نشود، و زنان مُدام به بی حجابی آنان افزوده شود علاوه بر اینکه آمار جنایات و فساد زیادتر می شود. دشمن از این فرصت استفاده نموده و برای سلطه فرهنگی خود در هر کشوری، ابتدا کوشش می کند جلوی هر گونه فعالیت اصیل و سازنده فکری را بگیرد و برای این منظور، ملت ها را به سرگرمی، تفریح های مبتذل و غیر سازنده، بی بند و باری و شهوت پرستی وا می دارد- البته در این راه برای عملی تر شدن نقشه شوم خود، جوانان و به خصوص زنان را بیشتر از جوانان سازندگان فردای جامعه هستند، بنابراین فکر و روح آن ها همواره در تیر رس نوک پیکان دشمن بوده است. وقتی دشمن با چنین رویه ای پیش آمد با نگاه ابزاری به زنان جهت تبلیغ یا فروش اشیای لوکس، بی بند و باری، دوستی های خیابانی، خانه گریزی، سقط جنین، خودکشی، فروپاشی خانواده ها و سایر مفساد و گناهان را ترویج می دهد. زنان هنگامی که خواستار تجدد ظاهر و به روز شدن باشند تحت تأثیر این تبلیغات قرار گرفته و در سایه گم شدن معیار فضیلت ها و شرف انسانی، جامعه را بیشتر به فساد و تباهی می کشانند. (دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۴هـ ش، ص ۴۷)

مقام معظم رهبری در این رابطه فرمودند: آن ها می خواهند زن به سبک اروپایی را در جامعه رواج بدهند، که عبارت از سبک مو، مصرف و آرایش در انظار عموم، ملعبه قرار دادن مسائل جنسی بین دو جنس، می خواهند این چیزها را به وسیله زنان رواج بدهند. هر جا با این هدف گیری غربی ها مخالفت بشود، فریادشان بلند می شود. همه جای دنیا را هم توانسته اند

تحت تأثیر قرار بدهند، مگر محیط های اسلامی واقعی را و مظهر آن جامعه ی بزرگ جمهوری اسلامی است، بنابراین با شدت با این مبارزه می کنند. (موسسه فرهنگی قدر ولایت، ص ۲۲۹)

با توجه به فرموده مقام معظم رهبری تا زمانی که جامعه اسلام واقعی در آن حاکم باشد آن جامعه از تیر رس دشمنان در امان است در غیر این صورت اگر زنان با نمایاندن آنچه باید بیوشاندند در جامعه ظاهر شوند به خواسته دشمن عمل نموده و در تحقق خواسته اش به او کمک نموده اند و این باعث سرایت فساد و بی بند و باری در تمام جامعه خواهد شد.

نتیجه گیری

مد گرایی و پیامدهای آن معلول علل متفاوت است، وجود این عوامل در کنار هم بیشتر این پدیده را در جامعه رواج می دهد. از عوامل مهم رواج دهنده این پدیده در جامعه تهاجم فرهنگی دشمن و نفوذ در فرهنگ و رسومات جامعه ایرانی و استفاده از زنان و حجاب برای ترویج نقشه های استعمار گرانه است. دشمن همواره از راه های مختلفی به ترویج مد گرایی منفی در جامعه پرداخته که از آن جمله می توان به مبارزه با ارزش های دینی، اسلامی، تهاجم به فرهنگ، ایجاد شک و شبهه در وجود نظام ولایت فقیه، ترویج برنامه های تلویزیونی مختلف در این زمینه و ... نام برد که از طریق آن ها در واقع قصد پیاده کردن مد گرایی از نوع نامطلوب آن در جامعه را دارند. هجوم متوجه قشر جوان و مهم تر از همه زنان جامعه هستند، وقتی توانستند جوانان و زنان را پیرو فرهنگ و ابتدال خود کنند به راحتی می توانند در سایر بخش های جامعه نفوذ کنند. در این میان بیداری و هوشیاری قشر جوان و زنان می تواند از استمرار چنین تفکر نادرستی جلوگیری کند.

مسئله غفلت جوانان و زنان از نقشه های دشمن و روی آوردن به خواسته های آنان، آثار زبانی را بر جامعه تحمیل خواهد کرد و زحماتی که در دوران انقلاب برای حفظ ایران اسلامی صورت گرفته را از بین خواهد برد. در این صورت تفاوتی بین فرهنگ اسلامی و فرهنگ مبتدل غربی وجود نخواهد داشت.

منابع و مأخذ

- ❖ قرآن کریم.
- ❖ نهج البلاغه.

۱. اکبری، محمدرضا؛ حجاب در عصر ما، انتشارات پیام آزادی، چاپخانه قدیانی، چاپ ششم، ۱۳۸۹ هـ.ش.
۲. انصاریان، حسین؛ نظام خانواده در اسلام، انتشارات ام ابیها، چاپ عترت، چاپ بیست و چهارم، تابستان ۱۳۸۶ هـ.ش.
۳. خرم، مسعود هویت؛ موسسه فرهنگی انتشارات حیان، چاپ پنجم، تهران ۱۳۷۸، هـ.ش.
۴. خمینی، (ره) روح الله؛ وصیت نامه سیاسی الهی، انتشارات مرکز فرهنگی آبا، صحافی رامین، چاپ اول، ۱۳۷۷ هـ.ش.
۵. خمینی، روح الله؛ صحیفه نور، ج ۵، ۱۵، ۱۶ و ۱۷، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۸ هـ.ش.
۶. دفتر تبلیغات اسلامی، مجله معارف اسلام، محمد جعفر گیلانی، شماره یکم، ۱۳۸۴ هـ.ش.
۷. دفتر مطالعات دینی زنان، فرهنگ حجاب (بیم ها و امیدها)، ناشر قم، بهمن ۱۳۷۹ هـ.ش.
۸. زمخشری خوارزمی، ابی القاسم محمود بن عمر؛ تفسیر الکشاف، ج ۳، دار الاحیاء التراث العربی، لبنان ۵۳۸-۴۶۷ هـ.ق.

۹. سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی؛ فرهنگ و تهاجم فرهنگی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳هـ.ش.
۱۰. صبوری اردوباری، احمد؛ آئین بهزیستی، ج ۳، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۶هـ.ش.
۱۱. صبوری اردوباری، احمد؛ بهای یک نگاه چقدر است، انتشارات رسالت قلم، چاپ سوم، چاپخانه صادق، ۱۳۸۶هـ.ش.
۱۲. طاهری، ابوالقاسم؛ برگی از دفتر انسان شناسی از دیدگاه نهج البلاغه، ناشر ورجاوند، چاپ اول، ۱۳۸۱هـ.ش.
۱۳. فتاحی زاده، فتحیه؛ حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، قم، ۱۳۸۵هـ.ش.
۱۴. محمدی اشتهاوردی، محمد؛ پوشش زن در اسلام، انتشارات ناصر، چاپ سیزدهم، زمستان ۱۳۷۴هـ.ش.
۱۵. محمدی نیا، اسدالله؛ برهنگی زنان، ناشر سبط اکبر، چاپ سید الشهداء، چاپ سوم، پاییز ۱۳۸۷هـ.ش.
۱۶. محمدی نیا، اسدالله؛ بهشت جوانان، نشر سبط اکبر، چاپ اول، چاپ مهریه، زمستان ۱۳۷۹هـ.ش.
۱۷. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، مجله صبح، شماره ۱۸ و ۱۷ و پاییز و زمستان ۱۳۸۴هـ.ش.
۱۸. مطهری، مرتضی؛ مسئله حجاب در اسلام، موسسه چاپ فجر، انتشارات صدرا، چاپ پنجاه و سوم، ۱۳۷۹هـ.ش.
۱۹. معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در قرار گاه ثار الله تهران، نفوذ و استحاله، انتشارات معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در قرار گاه ثار الله تهران، مرکز چاپ سپاه، ویرایش دوم، بهار ۱۳۸۸هـ.ش.

